

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.322880.2906>

Abstract

One of the important missions of the university, in addition to the field of education and research, is the continuous participation in the commercialization of knowledge and responding to the developments and needs of society and industry. The purpose of this research is to identify, explain the relationships and level the knowledge commercialization strategies in a comprehensive and operational way in the industrial universities of the country. The research approach is hybrid and of the mixed-exploratory type using qualitative and quantitative methods. In the qualitative part, using the data theory method of the systematic foundation, a model for commercialization of knowledge in the industrial universities of the country has been designed. Based on this model, components of knowledge commercialization strategies have been identified. In the quantitative part, which is in the category of descriptive-explanatory research in terms of purpose, the relationships and leveling of the identified components are explained using Demethel methods and interpretive structural modeling. The statistical population of the study includes 17 experts, professors, managers and doctoral students of the country's industrial universities and managers of industry and knowledge-based companies who have been purposefully and theoretically selected. Based on the research findings, 15 strategies explained in 5 levels were classified based on the degree of effectiveness and effectiveness. The strategy of "reviewing and approving educational and research instructions and regulations" is the most effective strategy at the highest level (level 5).

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران،

سال پنجم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۱، صص ۳۶۸۰-۳۷۰۱

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.322880.2906>

چالش های فراروی کیفردایی و قضازدایی از جرایم مطبوعاتی و سیاسی در نظام حقوقی ایران و انگلستان

عصمت مسعودی ندوشن^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

ایمان عابدین^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

حسنعلی آقاجانی^۳

زینب گلزاری^۴

چکیده:

افزایش عناوین مجرمانه و آنچه از آن به «تورم کیفری» تعبیر می شود، یکی از آفات و مشکلات هر نظام عدالت کیفری است. گرچه قانونگذار غالباً به جنبه ی مثبت جرم انگاری برخی انحرافات و رفتارهایی که ذاتاً صیغه حقوقی و غیر کیفری دارند نظر دارد، لکن تأثیرات نامطلوب چنین رویه ای -چنانچه به نحو گسترده، نسنجیده و تداوم یافته ای اتخاذ شود- نظام عدالت کیفری را با چالش هایی جدی مواجه خواهد ساخت. حتی اگر نتیجه این رویکرد، ایجاد احساس نگرانی در خصوص افزایش نرخ بزهکاری و غرق شدن ضابطین دادگستری و سایر نهادهای متصدی کنترل جرم و نهایتاً انسداد کیفری نباشد، باید از حیث عدم الحاق عمومی به قانون وضع شده به سبب عدم همنوایی آن با خواست ها و حاجات جامعه - و تضعیف، بی اثر شدن و تخدیش هیبت حقوق کیفری نگران بود. راهکار مطمئن برای جلوگیری از بروز چنین نتایجی، اعمال شیوه های کارآمد و علمی در جرم انگاری رفتارها است. توجه به متعارض بودن رفتار مورد نظر با اساسی ترین اصول اخلاقی جامعه، در نظر داشتن امکان یا امتناع مقابله با آن رفتار با توسل به روش های غیر کیفری و عطف نظر به نتایج عملی حاصل از جرم انگاری یا برآورد هزینه های اجرایی ناشی از جرم انگاری در قیاس با منافی که عاید جامعه می کند، به عنوان ارکان سه گانه معیار پالایش در جرم انگاری رفتارها می توانند مانع از وضع مواد کیفری غیر ضرور گردند.

کلمات کلیدی: کیفردایی، قضازدایی، جرایم مطبوعاتی و سیاسی، ایران، انگلستان

^۱دانشیار، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد-تهران جنوب esmatmasoudinadooshan@gmail.com

^۲دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد -تهران جنوب imanabedini@gmail.com

^۳دانشیار، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران aghajani@umz.ac.ir

^۴استادیار، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد-تهران جنوب zgolzari56@gmail.com

افزایش عناوین مجرمانه و آنچه از آن به «تورم کیفری» تعبیر می شود، یکی از آفات و مشکلات هر نظام عدالت کیفری است. گرچه قانونگذار غالباً به جنبه ی مثبت جرم انگاری برخی انحرافات و رفتارهایی که ذاتاً صبغه حقوقی و غیر کیفری دارند نظر دارد، لکن تأثیرات نامطلوب چنین رویه ای -چنانچه به نحو گسترده، نسنجیده و تداوم یافته ای اتخاذ شود- نظام عدالت کیفری را با چالش هایی جدی مواجه خواهد ساخت. حتی اگر نتیجه این رویکرد، ایجاد احساس نگرانی در خصوص افزایش نرخ بزهکاری و غرق شدن ضابطین دادگستری و سایر نهادهای متصدی کنترل جرم و نهایتاً انسداد کیفری نباشد، باید از حیث عدم الحاق عمومی به قانون وضع شده به سبب عدم همنوایی آن با خواست ها و حاجات جامعه - و تضعیف، بی اثر شدن و تخدیش هیبت حقوق کیفری نگران بود. راهکار مطمئن برای جلوگیری از بروز چنین نتایجی، اعمال شیوه های کارآمد و علمی در جرم انگاری رفتارها است. توجه به متعارض بودن رفتار مورد نظر با اساسی ترین اصول اخلاقی جامعه، در نظر داشتن امکان یا امتناع مقابله با آن رفتار با توسل به روش های غیر کیفری و عطف نظر به نتایج عملی حاصل از جرم انگاری یا برآورد هزینه های اجرایی ناشی از جرم انگاری در قیاس با منافع که عاید جامعه می کند، به عنوان ارکان سه گانه معیار پالایش در جرم انگاری رفتارها می توانند مانع از وضع مواد کیفری غیر ضرور گردند. در صورت جعل جرم بدون در نظر گرفتن این معیارها و دیگر معیارهای پیشنهاد شده جهت جرم انگاری متناسب و متوازن (به منظور رفع و اصلاح اشکالات تحمیل شده به عدالت کیفری) چاره ای جز رجوع و توسل به اقدامات جبرانی همچون قضازدایی، کیفر زدایی و جرم زدایی نیست. از این میان، آنچه به موضوع پژوهش حاضر مربوط می شود بحث کیفرزدایی و قضازدایی از جرایم مطبوعاتی و سیاسی است .

تعریف جرم از دیدگاه حقوقدانان

وجه اشتراک بسیاری از تعاریفی که حقوقدانان در خصوص جرم ارائه داده اند اخلال در نظم اجتماعی است به طوری که آنها هر فعل یا ترک فعلی که بر خلاف نظم اجتماعی باشد را مشمول تعریف جرم دانسته اند.

به اعتقاد گروهی از حقوقدانان «جرم عبارت است از فعل یا ترک فعلی که به جهت آسیبی که به نظم اجتماعی وارد میکند از طرف جامعه مجازات می شود.» و همچنین «هر عمل خلاف نظم اجتماعی که مرتکب را در معرض تحمل یک مجازات یا یک اقدام تامینی قرار میدهد. به دیگر سخن، جرم عبارت از «عمل یا خودداری از عملی است که قابل انتساب به مرتکب آن بوده و در قانون پیش بینی یا با یک کیفر جزایی مجازات می شود.» لذا کنش های مثبت یا منفی مخالف نظم اجتماعی افراد در جامعه که به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تامینی تعیین شده باشد جرم نام دارد. از این رو جرم شامل رفتاری است مخالف نظم اجتماعی که مرتکب آن را در معرض مجازات قرار میدهد.

درواقع جرم از آن رو که یک رفتار مخالف نظم اجتماعی است، واقعیتی اجتماعی و از جهت ارتکاب آن توسط انسان واقعیتی انسانی محسوب می گردد. لذا در صورت ارتکاب فعل یا عدم ارتکاب فعل که نتیجه آن مخدوش ساختن نظم اجتماعی باشد جرم تحقق پیدا کرده است و با توجه به قانون مجازات، بایستی با مجرم رفتار گردد.

تعریف جرم از دیدگاه حقوق موضوعه ایران

ماده ۲ قانون مجازات اسلامی جرم را اینگونه تعریف میکند: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود.» به نظر برخی، ضمانت اجرای کیفری مذکور در این ماده لازم است بوسیله قانون (الهی) یا مقامات یا ارگان های عمومی صلاحیت دارد تصویب شده باشد.

بنابراین از جمع تعریفی که قانون مجازات اسلامی در این خصوص ارائه داده و حقوقدانان، نتیجه میگیریم که شرط اصلی تحقق جرم، تنها ارتکاب عمل برخلاف نظم اجتماعی نیست، بلکه پدیده جزایی ناظر بر عمل ضد اجتماعی است که در قانون جزا برای آن مجازاتی پیش بینی شده است.

در مجموع از تعاریفی که در حقوق کیفری و قوانین موضوعه کشورمان بدست آمده میتوان این تعریف را از جرم ذکر نمود: فعل یا ترک فعلی که موجب اخلال در جامعه باشد و قانون آن را به عنوان جرم ذکر کرده و برای جبران این وضعیت و یا تنبیه متخلف، ضمانت اجراهایی در نظر گرفته باشد.

مطبوعات

ابتدا مطبوعات را از نظر لغوی و اصطلاحی تعریف میکنیم سپس مفهوم آن را از دیدگاه قانون مورد بررسی قرار میدهیم.

مفهوم لغوی مطبوعات

مطبوع در لغت به معنای چاپ شده است اعم از اینکه هدف از چاپ آن استفاده شخصی باشد یا استفاده عمومی، لکن در معنای اصطلاحی و قانونی، مطبوعات نه تنها شامل چاپ شده هایی است که منظور از چاپ آنها استفاده شخصی می باشد، بلکه بسیاری از چیزهایی که به منظور استفاده عمومی چاپ می شود از حیطه معنی اصطلاحی مطبوعات خارج می باشند.

در فرهنگ فارسی مطبوعات و واژه های مرتبط با آن چنین تعریف شده است: «مطبوعات جمع مطبوع، مطبوعه، نوشته های چاپی، روزنامه ها، مجلات مطبوعاتی، منسوب به مطبوعات، مطبوعات، طبع شده، چاپ شده مطبوعه: چاپخانه».

بنابراین، مطبوعات جمع واژه مطبوعه است که «ه» آن علامت تانیث مجازی است و خود واژه مطبوع بر وزن مفعول یعنی آنچه به طبع سپرده می شود یا آنچه از مطبوعه خارج می شود. مطبوعه نیز اسم مکان است. اجمالا این که در فرهنگ فارسی مطبوعات یعنی چاپ شده ها، اعم از کتاب، روزنامه و مجله، اعلامیه، اوراق تبلیغی یا هر آنچه که به زیور طبع و چاپ آراسته گردد.

مفهوم قانونی مطبوعات

از دیدگاه قانونی نیز در قوانین مختلف تعاریفی برای مطبوعات در نظر گرفته شده است. البته در ابتدای شکل‌گیری جریان قانونی در کشور، اصطلاح «مطبوعات» بلافاصله مورد توجه و تعریف قانونی قرار نگرفت. فراز و نشیب‌های توجه متون قانونی به تعریف مطبوعات، دو دوره قبل و بعد از انقلاب را شامل می‌شود.

تعریف مطبوعات در متون قانونی قبل از انقلاب

قانون اساسی مشروطیت مطبوعات را به صراحت تعریف نکرده اما با توجه به مفاد و مندرجات اصول میتوان دریافت که در هر دوره مقصود قانونگذار از مطبوعات چه بوده است.

اصل ۱۳ قانون اساسی مشروطه چنین اشعار میداشت: «... عموم روزنامه جات مادام که مندرجات آنها مخل اصلی از اصول اساسیه دولت و ملت نباشد مجاز و مختارند که مطالب مفید، عامل المنفعه را... به طبع رسانیده و منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامه جات و مطبوعات بر خلاف آنچه که ذکر شد و با غرایض شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت و افترا بزند، قانونا مورد استنطاق و محاکمه و مجازات خواهد شد.»

هرچند در این اصل تعریف خاصی از مطبوعات ارائه نشده است اما آمدن واژه مطبوعات به دنبال روزنامه جات نشان میدهد که مراد از مطبوعات معنی اعم آن است یعنی هر آنچه طبع و چاپ میشود.

اصل ۲۰ متمم قانون اساسی بیان میدارد: «عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است...» لذا از این اصل میتوان چنین نتیجه گرفت که قانونگذار کتاب را نیز جزئی از مطبوعات در نظر گرفته است.

تعریف مطبوعات در متون قانونی پس از انقلاب

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به وضوح مطبوعات را تعریف نکرده اما در ۴ اصل از این قانون به آن اشاره میکند:

۱- بند ۲ اصل ۳ قانون اساسی: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: بالا بردن سطح آگاهی عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.»

۲- اصل ۱۵ قانون اساسی: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این خط و زبان باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است.»

۳- اصل ۲۴ قانون اساسی: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر اینکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین میکند.»

۴- اصل ۱۶۸ قانون اساسی: «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری صورت میگیرد. نحوه انتخاب شرایط، اختیارات هیات منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین میکند.»

تفاوت مطبوعات با سایر رسانه‌های جمعی

انتشار دوره‌ای مهم‌ترین خصوصیت مطبوعات است. سه خصلت مطبوعات که وجه آن را در مقابل دیگر رسانه‌ها حفظ کرده است عبارتند از:

وسعت اخبار: کمیته‌ی بیش از رادیو و تلویزیون از نظر انتشار دارند. علاوه بر این مطبوعات میتوانند به ریزترین چیزها توجه کنند و آن را تحلیل کنند درحالی که رادیو و تلویزیون وقت تحلیل کردن موضوعات کوچک را ندارند و به اهم موضوعات می‌پردازند.

دوام اخبار: اخبار رادیو و تلویزیون به علت دوان نداشتن برای همیشه قابل استفاده نیستند اما مطبوعات با توجه به مکتوب بودن آنها، به دفعات زیاد به آن دسترسی داریم.

تنوع اخبار: وسعت و امکان درج مطالب متنوع‌تر نسبت به رادیو و تلویزیون و سینما.

مطبوعات در مقابل وسایل سمعی و بصری قرار گرفته اند. در بسیاری از کشورها، تیراژ مطبوعاتشان در مقابل پدیده تلویزیون پایین آمده است و تعدادی هم تعطیل شده اند.

تفاوت مطبوعات با اینترنت و سایر رسانه های نوین

دگرگونی گیرنده های تلویزیونی همراه با پیشرفت های تکنولوژی سیر تحول خود را طی میکنند. هرچند میگذرد از حالت خانوادگی و اجتماعی به صورت فردی در میآید، مثلا بر روی موبایل قرار میگیرند.

وسایل ارتباط جمعی نوین همانند اینترنت مشخصات مختلفی دارند از جمله:

۱- سرعت انتشار از مهم ترین ویژگی های وسایل ارتباط جمعی امروزه است، سریع ترین وسایل الکترونیکی نوین مثل ماهواره و اینترنت

۲- مداومت انتشار، بمباران اطلاعات به صورت مداوم از سوی رسانه های جمعی نوین را به همراه دارد

۳- وسعت جهانی حوزه انتشار، با پدید آمدن وسایل سریع الکترونیکی و ماهواره ها، مرزها درنور دیده شده است. پخش برنامه های تلویزیونی با ماهواره های ارتباطی که چنین اتفاقی چند سالی است به وقوع پیوسته و تلویزیون های ماهواره ای از همه کشورها قابل دسترس هستند و به نوعی امواج رادیویی، تلویزیونی دیگر حد و مرز نمی شناسند.

۴- فراوانی و گوناگونی محتوی

نقش ماهواره ها در ارتباط محلی، منطقه ای و جهانی، کاربرد آن در پخش برنامه های تلویزیونی و مخابراتی به صورت محلی، منطقه ای و بین المللی است. دولت ایران از سال ۱۳۴۶ ه.ش برای سرمایه گذاری و مشارکت در کنوانسیون بین المللی استفاده از ماهواره های مصنوعی مخابراتی اقدام کرد. به هر حال بیشتر تفاوت های ذکر شده در مورد مطبوعات با دیگر رسانه های نوین همانند اینترنت و ماهواره و غیره نیز صدق میکند.

مطبوعات بعنوان رکن چهارم دموکراسی نقش تعیین کننده ای در اطلاع رسانی و آگاهی دادن مردم جامعه بر عهده دارند. دولت، سیاستمداران و کارکنان سیستم های اداری باید در مقابل مردم پاسخگو بوده و بکشوند تا حقایق را بی کم و کاست به مردم اطلاع رسانی کنند تا شک و شبهه در مورد عملکرد مسئولات از بین برود.

در کشور ما کلاهبرداری و اختلاس تنها در کتاب های اخلاق مذموم شمرده شده است اما در سطح اجتماع و روابط فردی این معضلات رسوخ کرده و مشکلاتی را به بار آورده است تا جایی که ارتکاب این اعمال به دلیل تکرار، اموری عادی جلوه میکند. به نظر می رسد که طی چند سال اخیر انتقادهای تند علیه مفسدان کارساز نبوده و آنها باز دست به چنین اقداماتی می زنند. عملکرد مفسدات اقتصادی این است که بخش عظیمی از مردم دچار فقر ناشی از عملکرد فاسدان می شوند.

نتیجه آن که جمع شدن ثروت در دست عده ای، ارزش واقعی کار و تلاش انسانی را کم رنگ میکند و جامعه را رو به انحطاط میکشاند. در اینجا است که نقش مطبوعات در تنویر افکار عمومی و هدایت جامعه از اهمیت ویژه ای برخوردار می شود و خرد جمعی را در جهت شناخت و مبارزه با مفسدات اقتصادی بیدار میکند.

جرم مطبوعاتی

برای شناخت، تعیین و تبیین حدود و قلمرو هر جرمی، ارائه تعریفی دقیق و روشن از آن جرم ضرورت دارد. این امر در موضوع مطبوعاتی اهمیت بیشتری دارد زیرا تفکیک جرایم عادی از جرم مطبوعاتی از سویی و تفکیک آن از جرایم سیاسی از سوی دیگر مستلزم تحلیل دقیق حدود و ثغور جرم مطبوعاتی است. عدم تعیین جرم مطبوعاتی، باعث تضییع حقوق و آزادی ها و سردرگمی نظام قضایی در رسیدگی ها خواهد شد. در این بخش ابتدا به تعریف خاص و عام جرم مطبوعاتی و سپس به تعاریف قانونی از جرم مطبوعاتی خواهیم پرداخت.

تعریف عام جرم مطبوعاتی

موافقان این دسته از جرایم مطبوعاتی، جرم مطبوعاتی را در مفهوم موسعی به کار برده و آن را شامل هر جرم ارتكابی از طریق مطبوعات دانسته اند. لذا ویژگی مهم این جرایم، ارتكاب آنها از سوی مطبوعات می باشد و انتشار، خصیصه اصلی این گونه جرایم است.

بنابراین، جرایم مطبوعاتی جرایمی هستند که به وسیله درج مطالب یا تصویری در یک نشریه روی می دهد و خود، جرم مستقلی نیست بلکه جرم عمومی است که عملاً وقوع آنها به وسیله درج مطلب در نشریه ممکن است. براساس این تعریف، جرم مطبوعاتی در موسع ترین معنای خود، یعنی عمل خلاف قانون کیفری که به وسیله مطبوعات تحقق می یابد، به کار برده شده است.

تعریف خاص جرم مطبوعاتی

این دسته از افراد صاحب نظر معنایی مضیق و محدود تر از جرایم را که ارتكاب آن فقط از ناحیه مطبوعات جرم تلقی شود، مد نظر دارند. در این خصوص عده ای اعتقاد به محدود کردن جرایم مطبوعاتی به جرایم حرفه ای دارند به این معنا که اساس جرم مطبوعاتی عبارت است از اینکه روزنامه نگار به خاطر نظر و عقیده و رای و مسلکی که در روزنامه عنوان کرده است مورد تعقیب واقع شود. شایع ترین روش تحدید جرایم مطبوعاتی، محدود کردن آن به جرایمی است که تنها در قانون مطبوعات هر کشور ذکر شده است.

تعریف جرم مطبوعاتی از دیدگاه قانون

در قوانین کشور ما، مقررات مربوط به تعریف جرم مطبوعاتی تحولات زیادی داشته است که به طور کلی میتوان این مراحل را به دو قسم تقسیم کرد:

۱- قانون اساسی و قوانین عادی در دوران مشروطیت

۲- قانون اساسی و قوانین عادی پس از پیروزی انقلاب اسلامی.

اصل بیستم متمم قانون اساسی مشروطه مصوب ۱۲۸۶ صراحتاً تعریفی از جرم مطبوعاتی ارائه نکرده اند و تنها به ذکر «هر مطلب مخالف قانون مطبوعات» بسنده کرده است. قانون مطبوعات مصوب ۱۸ بهمن ماه ۱۲۸۶ شمسی بدون بیان تعریفی جامع از جرم مطبوعاتی، مصادیقی از این جرایم را بیان نموده است. اولین قانونی که به صراحت جرم مطبوعاتی را تعریف کرده است قانون هیئت منصفه مصوب ۱۰ خردادماه ۱۳۱۰ شمسی می باشد. این قانون در ماده دوم بیان میدارد: «جرمی که به وسیله کتاب یا مطبوعات مرتب الانتشار واقع شود جرم مطبوعاتی است.»

ماده ۳۴ لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۵ بهمن ماه ۱۳۳۹ شمسی مقرر میدارد: «جرایمی که به وسیله روزنامه یا مجله واقع میشود، جرایم مطبوعاتی است.»

ماده ۳۰ لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۲۵ مرداد ماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب مقرر میدارد: «به جرایم ارتكابی به وسیله مطبوعات در دادگاه جنایی و با حضور هیات منصفه رسیدگی میشود.» این ماده نشان میدهد که قانونگذار جرم مطبوعاتی را جرایمی میداند که به وسیله مطبوعات ارتكاب یافته است.

ویژگی های جرم مطبوعاتی

اصل ۱۶۸ قانون اساسی و ماده ۳۴ قانون مطبوعات برای جرایم مطبوعاتی امتیازات خاصی مقرر داشته اند که جرایم عادی از آن بی بهره اند. این امتیازات عبارتند از:

۱- حضور هیات منصفه در دادرسی مطبوعاتی. اعضای هیات منصفه بیشتر، از قضات حرفه ای و نماینده افکار عمومی هستند و بهتر از آنان میتوانند در مورد هر جرم مطبوعاتی اظهار نظر کنند که آیا انتشار خبر یا مطلبی خاص، سواستفاده از آزادی و در نتیجه جرم محسوب میشود یا یک انتقاد اساسی است که نه تنها جرم نیست بلکه وظیفه مطبوعات است. به این ترتیب تا حدودی تعیین سرنوشت روزنامه نگاران در جرایم مطبوعاتی، از اختیارات قضات خارج شده است.

۲- علنی بودن دادرسی مطبوعاتی. در جرایم مطبوعاتی، محاکمات علنی انجام میشود. اصل علنی بودن دادگاه ها از موارد نظارت عمومی مربوط به حقوق عمومی است و این از موارد نظارت عمومی مربوط به حقوق عمومی است و این امر بدین خاطر می

باشد که در جرایم مطبوعاتی نظارت مردم در محاکمات، اجرای دقیق قوانین، عدالت واقعی را حاصل می‌سازد و از مفاسد احتمالی جلوگیری میکند. در دادرسی های مطبوعاتی به هیچ دلیل نمیتوان دادگاه را سری اعلام کرد.

۳- صلاحیت رسیدگی در محاکم دادگستری. رسیدگی به جرایم مطبوعاتی در محاکم دادگستری صورت میگیرد. این امتیاز خاص موجب می‌شود که محاکم اختصاصی و اداری حق دخالت یا رسیدگی به اینگونه محاکمات را نداشته باشند در نتیجه، حقوق و آزادی ها متهم نیز به نحو مطلوب تامین می‌شود.

عناصر تشکیل دهنده جرم مطبوعاتی

برای تحقق جرم عادی وجود سه عنصر: مادی، معنوی و قانونی ضرورت دارد. در جرایم مطبوعاتی علاوه بر عناصر مذکور، رکن علنی ساختن و نشر نیز باید وجود داشته باشد. در واقع انتشار، رکن اساسی جرم مطبوعاتی محسوب میشود. به همین دلیل اگر انتشار جنبه خصوصی و محرمانه داشته باشد و یا به طریق اولی انتشاری صورت نگیرد، اساساً چنین جرمی به وجود نخواهد آمد. باتوجه به عنصر انتشار در جرایم مطبوعاتی باید گفت که:

- ۱- ترک فعل نمیتواند عنصر جرم مطبوعاتی باشد. بطور مثال عدم انتشار جرم محسوب نمی‌شود.
- ۲- در جرایم مطبوعاتی، شروع به جرم قابل تصور نیست زیرا لازمه تحقق جرم این است که متوقف شدن نشر را فرض کنیم. در این صورت وقتی که نشر به پایان نرسیده، عنصر انتشار وجود نیافته است و جرم اصلاً وجود خارجی پیدا نکرده است. چنانچه عمل انتشار تمام شود، در این صورت جرم به صورت کامل وقوع یافته است و آن را نمیتوان شروع به جرم دانست.
- ۳- انتشار در لغت به معنای: «پراکنده شدن»، «فاش شدن» و «گسترده شدن» آمده است. در عرف روزنامه نگاری، انتشار عبارت است از پخش مطبوعات در میان مردم. بنابراین تحقق رکن انتشار موقوف به چاپ مطبوعات و دادن شماره هایی از آن به دست افراد است و صرف چاپ، انتشار محسوب نمی‌شود.

تعریف جرم سیاسی در حقوق اسلام

یکی از جرایمی که در شریعت مقدس اسلام مورد عنایت و توجه شارع بوده، بغی است. برخی چنین می‌اندیشند که در شریعت اسلامی جرم سیاسی مطرح نگردیده است و شاید علت آن این باشد که در نظام مقدس جمهوری اسلامی ذکری از قوانین مربوط به جرم سیاسی بطور مستقل و جدای از قوانین حدود و قصاص و دیات به میان نیامده، بنابراین عده‌ای تصور می‌نمایند که اسلام توجهی به جرم سیاسی نداشته است و متأسفانه در اثر همین اندیشه نادرست بسیاری از حقوقدانان اگر بخواهند درباره جرم سیاسی اظهار نظر نمایند، فوراً به سراغ نوشته‌ها و کتاب‌های حقوقدانان غربی می‌روند و نظرات خود را براساس اندیشه‌های آنان ابراز می‌دارند و این نظرات هرچند یک سلسله نظرات حقوقی هستند و ارزش حقوقی حتی از نظر اسلام هم دارند و باید از آنها هم استفاده کرد و به مقتضای آیه شریفه «الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» نظرات صحیح آنها را پذیرفت اما نباید چنین فکر کرد که اسلام جرم سیاسی را مطرح نکرده است.

تعریف جرم سیاسی از دیدگاه حقوق موضوعه ایران

اصل ۱۶۸ قانون اساسی تصریح می‌دارد: «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط و اختیارات هیات منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی تعیین کرده است.»

به موجب همین اصل، تعریف جرم سیاسی به قانون عادی محول شده است. با وجود تلاش‌های بسیار برای ارائه تعریف جرم سیاسی تاکنون مصوبه قانونی که در این رابطه به مرحله اجرا گذارده شده باشد، وجود ندارد.

مجلس در خرداد سال ۸۸ طرحی را در خصوص جرم سیاسی به تصویب رساند که با ۱۸ ایراد شورای نگهبان مواجه شد و پس از آن، این طرح مسکوت ماند و از آن بعنوان طرحی که در مجلس خاک می‌خورد یاد میشود.

جرایم سیاسی و مطبوعاتی بالقوه ممکن است در زمره جرایم عمومی قرار گیرند که در چنین صورتی رسیدگی به این جرایم اصولاً در صلاحیت دادگاه های کیفری عمومی است. اما جرایم مذکور در بسیاری از موارد، احتمال دارد که با هدف مخالفت و رویارویی با مقامات حاکم دولتی و برنامه های آن ها صورت گرفته باشد که در این صورت، جرایم مذکور ماهیت سیاسی پیدا میکند و مرتکبان آن در واقع طرف دعوایی قرار میگیرند که یک طرف آن مقامات قدرت عمومی هستند. به عبارت دیگر، هدفی که در ارتکاب جرایم سیاسی یا مطبوعاتی دنبال می شود برای تضعیف شخصیت های سیاسی است که در راس قدرت قرار دارند.

اقدامات ارتكابی، از آن جهت که احتمالاً آرامش و نظم و امنیت عمومی را برهم زده است، به عنوان جرم عمومی تلقی می شود و مستلزم رسیدگی قضایی است ولی از آن جهت که مخالفت و اعتراض به مردم رویه و طرز عمل زمامداران است، جنبه سیاسی دارد و به همین علت است که موضوع باید مورد ارزیابی های منصفانه عموم افراد جامعه (نه دولت) قرار گیرد.

جرم امنیتی

تعریف جرم امنیتی از دیدگاه حقوق موضوعه ایران

قانون مجازات اسلامی در فصل اول کتاب پنجم، جرایم علیه امنیت را به دو دسته ذیل تقسیم کرده است:

دسته اول: جرایم علیه امنیت داخلی

دسته دوم: جرایم علیه امنیت خارجی

جرایم بر ضد امنیت داخلی کشو عبارت از ارتکاب اعمال مجرمانه ای است که به قصد برهم زدن امنیت و اختلال در نظم عمومی و یا به قصد صدمه زدن به حیات حکومت اسلامی و ساقط کردن آن صورت میگیرد.

قلمرو این قبیل اعمال مجرمانه منحصر به قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بوده و درون مرزی است و غالباً «بدون توسل به قدرت های خارجی، امنیت داخلی کشور را مورد مخاطره قرار میدهد.»

وقتی موجبات صدمه به منافع داخلی یا منافع کشور در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران فراهم شود، موضوع جرایم بر ضد امنیت خارجی کشور مطرح میگردد. برابر اصل ۱۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه جوئی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر و روابط صلح آمیز با دول غیر محارب استوار است.»

به هر ترتیب، اقدامات و اعمالی که از نظر دفاع کشور مضر و در مناسبات خارجی با سایر کشور ها ایجاد اختلال کند و یا علیه استقلال و تمامیت ارضی و امنیت کشور باشد تحت عنوان «جرایم بر ضد امنیت کشور» قابل تعقیب و مستوجب کیفر است.

تاریخچه جرایم مطبوعاتی در حقوق ایران و غرب

قانونگذاری در جرایم مطبوعاتی ایران قبل از انقلاب

جرایم مطبوعاتی در متمم قانون اساسی مشروطیت: اصل ۱۳ قانون اساسی دوره مشروطیت درباره آزادی مطبوعات و محدودیت های آن، چنین مقرر کرده بود: «... عموم روزنامه جات مادامی که مندرجات آنها محل اصلی از اصول اساسیه دولت و ملت نباشد مجاز و مختارند که مطالب مفید عام المنفعه را هم چنان مذاکرات مجلس و صلاح اندیشی خلق را بر آن مذاکرات به طبع رسانیده منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامه جات و مطبوعات بر خلاف آنچه ذکر شد و با غرایض شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت و افترا بزند، قانون مورد استنطاق و محاکمه و مجازات خواهد شد.»

لذا این اصل در ارتباط با مطبوعات، چهار نو محدودیت پیش بینی کرده بود:

۱- تحریف یا تغییر در مذاکرات مجلس شورای اسلامی

۲- انتقادات (صلاح اندیشی) مخرب و بر خلاف اصول اساسیه دولت و ملت

۳- غرض ورزی

۴- تهمت و افترا

بنابراین، نظر مقنن مبنی بر حضور هیات منصفه و علنی بودن محاکمات در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی (مندرج در اصول ۷۷ و ۷۹ متهم قانون اساسی مشروطه) تنها شامل این دسته از جرایم می باشد. با تصویب قانون مطبوعات در سال ۱۲۸۶ توجهی به رعایت اصل ۱۳ قانون اساسی مشروطه نشد.

جرایم مطبوعاتی در قوانین عادی:

۱- قانون مطبوعات مصوب ۱۲۸۶/۱۱/۱۸ ش: قانون مطبوعات مصوب ۱۸ بهمن ماه ۱۲۸۶ نیز هیچ گونه تعریفی از جرم مطبوعاتی ارائه نکرده و فقط به ذکر مصادیق جرایم مطبوعاتی پرداخته است و این قانون، تنها قانونی است که جرایم مطبوعاتی را دسته بندی کرده است. «در فصل سوم این قانون مبحث «تعرضات» مورد بررسی قرار گرفته و مقرراتی در خصوص حق پاسخگویی خوانندگان در نظر گرفته شده، علاوه بر این فصل، فصل پنجم این قانون نیز به «حدود تقصیرات» نشریات اختصاص یافته بود و ضمن آن در چند مبحث، به ترتیب به «حدود تقصیر نسبت به جماعت»، «تقصیرات نسبت به افراد»، «توهین و مجازات آن نسبت به سلاطین خارجه و مامورین ساسی» و «مواردی که طبع و نشر آن ها جایز نیست» اختصاص یافته بود.

۲- قانون هیات منصفه مصوب ۱۳۱۰/۳/۱۰ پس از قانون مطبوعات مصوب ۱۲۸۶، قانون هیات منصفه از تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۰ به تصویب رسیده است. این قانون اولین قانونی است که به صراحت جرم مطبوعاتی را تعریف کرد.

به موجب ماده ۲ قانون مزبور: «جرمی که به وسیله کتاب یا مطبوعات مرتب الانشار واقع شود، جرم مطبوعاتی است.» این ماده نشان می دهد که دایره جرایم مطبوعاتی با اضافه نمودن کتاب به فهرست مطبوعات، گسترده تر شده است. در عین حال ماده ۳۰ قانون فوق به استثنای هفت جرم، تعریف موسع فوق از جرم مطبوعاتی را محدود کرد. این ماده بیان می دارد: «جرم های ذیل جرم مطبوعاتی نبوده و محاکمه آن بدون حضور هیات منصفه به عمل خواهد آمد»:

۱- جرم هایی که به وسیله بیانیه یا هر قسم مطبوعات دیگری که به نحو مرتب منتشر نمی شود (به استثنای کتاب) وقوع یابد.

۲- جرم هایی که به وسیله انتشار اعلان به عمل آید ولو اینکه اعلان در جریده یا مجله یا سایر مطبوعات مرتب انتشار منتشر گردد.

۳- توهین به پادشاه مملکت.

۴- توهین به روسای ممالک خارجه یا نمایندگان سیاسی آنها در ایران.

۵- اسناد توهین آمیز یا افترا نسبت به فردی از نمایندگان ملت یا وزراء و معاونین آنها یا روسا و مستخدمین دربار سلطنتی یا نسبت به فردی از مامورین دولتی یا ادارات مجلس یا مامورین بلدی و یا نسبت به اعضای انجمن های بلدی و یا اعضای هیات منصفه و یا اعضای اتاق تجارت و یا اعضای انجمن های نظارت انتخابات و یا هیاتی که از اشخاص فوق الذکر مشروط بر اینکه آن اسناد یا افترا با مثام یا شغل اشخاص مذکور ارتباط نداشته باشد.

۶- اسناد توهین آمیز یا افترا نسبت به افراد.

۷- فحش یا ناسزا نسبت به هرکس که باشد.

لذا با توجه به این ماده از قانون هیات منصفه میتوان به این نتیجه رسید که این جرم، جرایم مطبوعاتی تلقی نگردیده بنابراین از حقوق و امتیازات دادرسی های جرایم مطبوعاتی از جمله علنی بودن و حضور هیات منصفه محروم می باشند.

۳- لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۱/۱۱/۱۵: دومین قانونی که جرایم مطبوعاتی را صراحتاً تعریف کرده است، لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۵ بهمن ماه ۱۳۳۱ می باشد که با محدود کردن شمول قانون به نشریات ادواری، جرم مطبوعاتی را در ماده ۳۴ به این نحو تعریف کرد: «جرایمی که به وسیله روزنامه یا مجله واقع میشود، جرایم مطبوعاتی است.»

۴- لایحه قانونی مطبوعاتی مصوب ۱۳۳۴/۰۵/۱۰: ماده ۳۰ لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۰ مرداد ماه ۱۳۳۴، جرم مطبوعاتی را به توهین و افترا به کارمندان دولت در ارتباط با شغل آنها محدود کرد و بقیه جرایم ارتكابی از ناحیه مطبوعات از جمله جرایم

مندرج در فصل سوم این قانون را جرم مطبوعاتی ندانسته و حضور هیات منصفه یا دیگر تضمینات جرایم مطبوعاتی را در دادرسی آنان لازم نمیداند. این ماده از لایحه قانونی مطبوعات اشعار میدارد: جرم مطبوعاتی عبارت است از توهین و افترا به وسیله روزنامه یا مجله یا نشریه از لحاظ ارتباط با مقام یا شغل رسیمی یا رویه اداری یا اجتماعی و یا سیاسی به شخص یا اشخاص. انتقاد از روش سیاسی و اداری به وسیله روزنامه، مجله یا نشریه نسبت به مسئولین و متصدیان امور دولتی و اشخاص نامبرده در ماده ۲۲ که از لحاظ مصالح عمومی صورت میگیرد جرم محسوب نمیشود. ذکر جملات توهین آمیز و افترا و هتک حیثیت و شرف یا ناموس و فحش و ناسزا به شخص و با بستگان شخص جرم مطبوعاتی محسوب نشده و بر طبق مقررات عمومی قانون جزا و این قانون قابل تعقیب خواهد بود.»

کیفرزدایی

«کیفر زدایی، عبارتست از جرمزدایی ناقص، در این حالت یک نوع مداخله و تدبیر اجتماعی، جایگزین کیفر می‌گردد ولی عنوان مجرمانه برای فعل یا ترک فعل حفظ می‌شود.»

البته کیفرزدایی به این معنا و مفهوم هم نیست که اگر نتوانستیم اصل مسئله را حل کنیم، صورت مسئله را پاک کرده و با زدودن کیفر از اعمالی که برای مصالح اشخاص و جامعه مضر است، جلوه منزهی از جامعه ارائه دهیم؛ بلکه باید در این خصوص قائل به یک خط قرمز شد. شاید در جوامع امروزی هیچ‌کس پیدا نشود که بگوید از جرایمی همچون قتل، کلاهبرداری و سرقت مسلحانه باید کیفرزدایی به عمل آید.

مفهوم جرمزدایی

«منظور از جرمزدایی، فرایندهایی است که به موجب آنها، صلاحیت نظام کیفری برای اعمال ضمانت اجرا به منزله واکنشی نسبت به شکل خاصی از رفتار (یعنی رفتار مجرمانه‌ی خاص) سلب می‌شود این اقدام ممکن است از رهگذر قانون‌گذاری یا شیوه‌ی تفسیر قوه قضائیه از قانون انجام پذیرد.»

امروزه دیدگاه‌هایی وجود دارد که معتقد است که در بسیاری موارد تماس افراد متهم با دستگاه عدالت کیفری موجب بدنامی آنان بشود و این امکان وجود دارد که به واسطه فرایند برچسب‌زنی اثرات منفی بوجود بیاید «مانند اینکه شخصی که مورد برچسب‌زنی قرار گرفته است. نقش آن فردی را می‌پذیرد که در برچسب به او القا کرده‌اند».

بنابراین قضا‌زدایی «یعنی مکانیزمی که در جهت محدود نمودن صلاحیت نهادهای دستگاه قضایی به نفع سایر سازمان‌ها و روش‌های رسیدگی اعمال می‌شود، عنوان مجرمانه زدوده می‌شود و به جای آن نوعی مداخله و اقدام اجتماعی جایگزین می‌گردد».

تمیز کیفرزدایی از قضا‌زدایی

امروزه دیدگاه‌هایی وجود دارد که معتقد است که در بسیاری موارد تماس افراد متهم با دستگاه عدالت کیفری موجب بدنامی آنان بشود و این امکان وجود دارد که به واسطه فرایند برچسب‌زنی اثرات منفی بوجود بیاید. «مانند اینکه شخصی که مورد برچسب‌زنی قرار گرفته است نقش آن فردی را می‌پذیرد که در برچسب به او القا کرده‌اند».

بنابراین، قضا‌زدایی «یعنی مکانیزمی که در جهت محدود نمودن صلاحیت نهاد‌های دستگاه قضایی به نفع سایر سازمان‌ها و روش‌های رسیدگی اعمال می‌شود، عنوان مجرمانه زدوده می‌شود و به جای آن نوعی مداخله و اقدام اجتماعی جایگزین می‌گردد».

قضا‌زدایی راهکاری فنی برای کاستن از تراکم دعاوی در مراجع رسمی دادگستری و قطعاً امری نسبی است. نسبت راهکار یاد شده امری بدیهی و منطقی است زیرا قضا‌زدایی مطلق در مفهوم تعطیلی نهاد دادرسی و دادگستری و حذف وظیفه اساسی قضاوت در مفهوم خاص آن در زمره وظایف حکومت است. (اصل ۱۵۶ قانون اساسی) بدین ترتیب به هیچ بهانه نمیتوان تمام اختیارات و اقتدارات قانونی را برای تامین عدالت قضایی از دولت سلب کرد.

با تحقیق در منشا اصطلاح قضا‌زدایی معلوم میشود که واژه انگلیسی *Diversion* از سوی حقوقدانان ایرانی به قضا‌زدایی برگردانده شده است. درحالی که واژه یاد شده در ادبیات حقوقی انگلستان به معنای انحراف است. مراد از آن مجموعه راهکارهایی است که

برای خروج پرونده از مسیر اصلی و معمول آن و سوق دادن آن به سمت دیگر روش های حل و فصل قضیه مورد استفاده قرار میگیرد. از این رو معلوم می شود که اصطلاح قضازدایی در مفهوم فنی حقوقی و قضایی آن به کار نرفته بلکه نوعی تسامح در تعبیر است. به نظر می رسد عبارت تمرکز زدایی از رسیدگی های قضایی بهتر میتوند مفهوم ذاتی اصطلاح یاد شده را منعکس سازد.

تمییز کیفرزدایی از جرم زدایی

جرم زدایی در هر کشور نشأت گرفته از تحولات، آداب و رسوم یا ضرورت های اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می باشد. درجه تحول و توسعه یافتگی حقوقی هر کشوری بستگی به سیاست های جرم زدایی آن کشور دارد.

جرم زدایی به معنای اهتمام به ساز و کار تعدیل عناوین مجرمانه و زدودن انگ های مجرمانه از یک رفتار است. چنین رویکردی با عنایت به تورم زدایی کیفری و کاهش عناوین مجرمانه و تعدیل تعداد جرایم در قانون کیفری مطرح شده است. چالش های عملی و نظری ناشی از تورم قوانین کیفری و روند فزاینده و رو به رشد جرایم در دنیای مدرن، تلاش کشورها را در شکل های مختلف جرم زدایی و در راستا رفع معضل مطروحه باعث شده است.

برخلاف جرم زدایی، در کیفرزدایی منظور این نیست که خاصیت جرم بودن فعل یا ترک فعل سلب شود، بلکه هدف موزون ساختن جرم و کیفر است؛ بدین معنی که در اکثر موارد از شدت مجازات کاسته می شود و یا خاصیت کیفری مجازات از آن سلب می شود.

کیفرزدایی که در دانشنامه جرم شناسی از آن به جرم زدایی ناقص یاد شده است، بیش از جرم زدایی مورد توجه دست اندرکاران عدالت کیفری قرار گرفته است زیرا با حفظ وصف مجرمانه برای رفتاری که تنها واکنش کیفری از آن زدوده شده است، محظورات کمتری از جرم زدایی دارد.

نتایج :

- ۱- به نظر می رسد در نظام حقوقی انگلستان دو سلسله قواعد در قلمرو مطبوعات قابل شناسایی است، یکی ضوابط و مقررات مربوط به نحوه ی نشر و اداره ی مطبوعات و دیگری قواعدی که از لحاظ محتوایی، تضمینها و محدودیتهایی را برای آزادی بیان ایجاد می کند و در نظام حقوقی ایران به منظور حراست و پاسداری از آزادی عقیده و بیان، و حمایت خاص از مجرمین سیاسی و مطبوعاتی، تضمین هایی در قانون اساسی قرار داده شده است.
- ۲- به نظر می رسد علنی بودن دادرسی و مشارکت نهادهای مدنی و رسیدگی با حضور هیات منصفه - که از مهم ترین مولفه های کیفرزدایی و قضازدایی است - درخصوص جرایم سیاسی و مطبوعاتی از مهم ترین تدابیر و شیوه های کیفرزدایی و قضازدایی از جرایم سیاسی و مطبوعاتی در نظام حقوقی ایران و انگلستان می باشد.
- ۳- به نظر می رسد مفهوم جرایم سیاسی و مطبوعاتی در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان تا حدودی مشابه اما در موارد جزئی و شیوه ی رسیدگی متفاوت باشد.
- ۴- به نظر می رسد اصول وقواعد حاکم بر کیفرزدایی و قضازدایی از جرایم سیاسی و مطبوعاتی در نظام ایران و انگلستان متفاوت باشد.
- ۵- به نظر می رسد در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان تضمین های قانونی مبنی بر کیفرزدایی و قضازدایی از جرایم سیاسی و مطبوعاتی مقرر شده است اما در مقام عمل تفاوت هایی وجود داشته باشد.

فهرست منابع و مآخذ (فارسی) :

- ۱- اسلامی، محمدرضا، جرم سیاسی در حقوق جزای ایران و مطالعه تطبیقی آن، پایان نامه دکترای حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۱.
- ۲- آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۵
- ۳- پیوندی، غلامرضا، جرم سیاسی، چاپ دوم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۴
- ۴- رایجیان اصلی، مهرداد، تبیین استراتژی عقب نشینی یا تحدید دامنه ی مداخله حقوق جزا و جایگاه آن در ایران، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۴۱، زمستان ۱۳۸۱
- ۵- رحمانی، قدرت الله (۱۳۹۱)، نظریه یگانگی جرایم سیاسی و مطبوعاتی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ۶- زراعت، عباس، جرم سیاسی، چاپ اول، تهران، ققنوس، ۱۳۷۷
- ۷- زینلی، محمدرضا، جرم سیاسی و حقوق جزای اسلامی (مطالعه تطبیقی)، چاپ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸
- ۸- شمعی، محمد، درآمدی بر جرمانگاری و جرم زدایی، چاپ اول، تهران، جنگل، ۱۳۹۲
- ۹- کوهستانی نژاد، مسعود، اسناد دادگاه ها و هیات های منصفه مطبوعاتی از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۸۰.
- ۱۰- محمدی، قاسم، جرم مطبوعاتی، چاپ دوم، تهران، سمت، ۱۳۹۲
- ۱۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ و حمید هاشم بیگی، دانشنامه جرم شناسی، گنج دانش، ویراست چهارم، ۱۳۹۲

- ۱۲- فهرست منابع و مآخذ (غیر فارسی):
۱. and Freedom of Information, Oxford, 2000.
 ۲. Don R., Rember, Mass Media Law, University of Washington, 1999.
 ۳. Fairchild, E. & Harry R. Dammer, Comparative Criminal Justice 89 Systems, Wadsworth, ۲۰۰۱.
 ۴. Freedom of Information, Oxford, 2000.
 ۵. Hunt, Martin, A Level and As Level Law, London, Sweet & Maxwell, 2000.
 ۶. Padfield, C.F., Law Made Simple, 37 Made Simple Books, London, 1989.
 ۷. The Hon Sir Anthony ACKBE, "The Relationship Between", in Freedom of Expression.